

متاثر از ایدئولوژی چپ بود. بالاخره این دو با هم اختلاف ماهوی داشتند.

آیا انقلاب و فضای جدید تأثیری در ادبیات و هنر روشنفکری نداشت؟

به گمانم داشت. به عنوان مثال اگر رمان کلیدر آقای دولت آبادی را ببینید، دو جلد آن پیش از انقلاب منتشر شده و بقیه محصول بعد از انقلاب است. این تغییر را در این کتاب می بینیم مثلاً به اعتقاد خیلی ها نوع مرگ زیور، زن گل محمد در آخر داستان تحت تأثیر حادثه عاشورا است! در بعضی کارهای احمد محمود هم تأثیرهایی از این دست می بینیم یا رمان آخر خانم سیمین دانشور به خصوص جلد اول آن و خیلی از افراد دیگر که در آثارشان تفاوت هایی بود که می نمود تحت تأثیر ادبیات و فضای بعد از انقلاب باشد، اما این چیزها ماندگار و تأثیر گذاری نبود. بنابراین خیلی از این ها دوباره به سبک و سیاق خود برگشتند. هر چند دیگر در همین سبک و سیاق خودشان توفیقی نداشتند که این به نظرم قابل تأمل است.

*چقدر از این فضا به مخاطب ارتباط دارد؟ چون مخاطب هم باید این شرایط را بپذیرد.

**خوشبختانه یکی از ویژگی های جریان های روشنفکری، این است که کاری به مخاطب ندارد! هر چند مخاطب در نوع پدید آمدن آثار تأثیر دارد، کسی نمی تواند منکر آن شود. با این حال جریان روشنفکری ما معمولاً کم مخاطب بوده است و هست این را از شمارگان کتاب ها هم می توان فهمید.

*همیشه همین طور بوده؟

**حداقل می دانم که پیش از انقلاب این طور بوده و بعد از انقلاب هم همین طور.

*یکی از مراحل صدور ادبیات ترجمه است. حوزه هنری هم کارهایی صورت داده است. وضعیت ترجمه ادبیات بعد از انقلاب را چگونه ارزیابی می کنید؟

**در این بخش خیلی عقب هستیم. به طور جدی هفت-هشت سال پیش که بنده در بخش ادبیات حوزه هنری بودم، به این فکر افتادم. نخستین کارها را خودمان در حوزه هنری به صورت حرفه ای، شروع کردیم و دیدیم که دنیا هم منتظر است و شنیده بودیم که آن ها هم مترصدند تا اتفاقی را که در اجتماع ایرانی افتاده در ادبیات ایران

ببینند. چون مشهور است که هر انقلاب اجتماعی با خود یک انقلاب ادبی و هنری هم در پی دارد. کارهایی که خودمان در حوزه هنری منتشر کرده بودیم را در جایی مثل آمریکا منتشر کردیم که مورد استقبال قرار گرفت. مثل کار آقای دهقان، حبیب احمد زاده و داوود غفار زادگان و می توان ارزیابی کرد که این اتفاق برای آن ها جالب و تازه بود. یکی از مترجمان آمریکایی که با ما همکاری دارد، در مورد یکی از آثار دفاع مقدس که منتشر شده بود، می گفت که این کار را پیش از انتشار به یکی از همکاران دانشگاهی ام دادم که بخواند و نظرش را بگوید اما به توصیه او، نوشته دست به دست بین دیگر استادان چرخید. پرسیدم چه ما تا حالا هر چه راجع به ایران شنیده بودیم و دیده بودیم از نگاه آمریکایی ها بود ولی الان مستقیماً از خود ایرانی ها می شنویم و این ها چیزهای جدیدی است و مخصوصاً ما در این داستان با انسان جدیدی روبه رو هستیم که دنیایش و اعتقاداتش با ما متفاوت است. همین مترجم می گفت پیش از این کتاب های زیادی از ادبیات داستانی ایران به انگلیسی و زبانهای دیگر ترجمه شده اما آن طور که انتظار می رود، مورد استقبال قرار نگرفته است. به تعبیر ایشان چون مخاطبان آمریکایی فکر می کنند که بیشتر کارها گرت به برداری از کارهای خودشان است و معتقدند وقتی اصل کار وجود دارد چرا ۴۰ دلار بدهیم متن ایرانی شده این ها را بخوانیم! به اعتقاد او در این میان کارهای مربوط به ادبیات انقلاب اسلامی مانند دفاع مقدس برایشان جذاب و جدید است. بنابر این به نظر ما اگر قرار باشد که ادبیات ما به ویژه ادبیات داستانی ما جایگاهی در خور در جهان داشته باشد، ناگزیر از حوزه ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس خواهد بود. دفاع مقدس می تواند ادبیات ما را جهانی کند. البته کارهای بسیاری باید انجام شود و در این زمینه کوتاهی های زیادی داشته ایم.

نگاه باید حرفه ای باشد که در حوزه هنری سعی می کنیم، این موارد را رعایت کنیم و البته در ابتدای راه هستیم.

مترجمانی که با آن ها همکاری داریم، زبان مقصد آثار، زبان مادری شان است و ما به دنبال آرم و نشانه های خودمان نیستیم. کتاب هایی که منتشر شده اند، نشانی از حوزه هنری در آن نمی بینید. ما با ناشر خصوصی همکاری می کنیم و آنان این آثار را منتشر می کنند تا در بازار حرفه ای، کتاب را به دست مشتری برسانند ضمن این که وقتی که می گویی ترجمه، همه اذهان به طرف زبان

*در حوزه خاطره و خاطره نگاری، در سالهای اخیر انقلابی شد و امروز مخاطبان و خوانندگان این بخش قابل مقایسه با هیچ بخش دیگری نیست. در حالی که پیش از انقلاب، عمدتاً خاطره متعلق به خواص و اشرار فرادست جامعه بود اما انقلاب و به ویژه دفاع مقدس موجب شد همه مردم صاحب خاطره شوند و خودشان در خاطرات روزهای با شکوه کشورشان ببینند.

*اگر رمان کلیدر آقای دولت آبادی را ببینید، دو جلد آن پیش از انقلاب منتشر شده و بقیه محصول بعد از انقلاب است. این تغییر را در این کتاب می بینیم مثلاً به اعتقاد خیلی ها نوع مرگ زیور، زن گل محمد در آخر داستان تحت تأثیر حادثه عاشورا است! در بعضی کارهای احمد محمود هم تأثیرهایی از این دست می بینیم یا رمان آخر خانم سیمین دانشور به خصوص جلد اول آن و خیلی از افراد دیگر که در آثارشان تفاوت هایی بود که می نمود تحت تأثیر ادبیات و فضای بعد از انقلاب باشد

انگلیسی است. در حالی که از زبان ها و کشورهای اطراف خودمان غافل شده ایم. در حوزه هنری کوشش کردیم تا به زبان اردو، توجه ویژه داشته باشیم. این زبان بیش از یک میلیارد مخاطب دارد که از لحاظ فرهنگی بسیار به ما نزدیک هستند. ما به زبان عربی توجه ویژه ای داریم و در این زمینه دفتر ادبیات ایران و عرب، سال هاست که ایجاد شده و در راس این دفتر موسی بیدج که در ادبیات جهان عرب چهره ای شناخته شده و مقبول است، فعالیت می کند. همچنین به زبان ترکی استانبولی هم توجه داشتیم و فقط در حوزه زبان های انگلیسی و زبان های کشورهای اروپای غربی کار نکردیم.

*در این زمینه وزارت ارشاد چه کار کرده و چه نقشی داشته؟ آن ها هم کاری برای انتشار و ترجمه آثار ادبیات انقلاب دارند؟

**امیدوارم از این به بعد بهتر شود و کارهایی انجام دهند. در ترجمه تا امروز علی رغم این که راه کارهای قانونی برای ترجمه وجود داشته، حرکت معناداری اتفاق نیفتاده اما در حوزه تولید و نشر ادبیات داستانی، بنیاد ادبیات داستانی در سال های اخیر فعال بوده است.

*نقش حوزه هنری در انتشار آثار انقلاب انکارناشدنی است اما در مقایسه با جاهای دیگر می توانید مقایسه ای داشته باشید؟

**این مقایسه درستی نیست، چون ما برای این